

اقدامات شورای امنیت در حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه (۱۹۹۱-۲۰۱۷)

منصوره حقیقی کفاش

دانش‌آموخته دکترای تخصصی روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد تهران

سید محمد کاظم سجادی پور^۱

استاد روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲)

چکیده

از آغاز تاریخ بشریت جنگ و خشونت همواره همزاد یکدیگر بوده و زنان به‌عنوان گروه آسیب‌پذیر بیشترین تأثیرات را متحمل شده‌اند. در حقیقت با بروز جنگ، گروه‌های مختلف به شکل عامدانه زنان را هدف قرار می‌دهند و از آنان برای رسیدن به اهداف جنگی خود بهره می‌جویند. بنابراین با توجه به جایگاه و نقش زنان در خانواده و جامعه به‌عنوان هسته اصلی، امنیت و ثبات متزلزل شده و در نگاه جامع با به خطر افتادن امنیت کشور یا کشورهای دیگر، جامعه جهانی با عدم امنیت و صلح روبه‌رو خواهد شد. در نتیجه می‌توان گفت که اهمیت شناخت تأثیرات ناگوار مخاصمات مسلحانه بر زنان و آثار آن بر صلح و امنیت بین‌المللی امری انکارناپذیر و ضروری است. در این زمینه شورای امنیت به‌عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، به این موضوع از سال ۱۹۹۱ به بعد توجه نموده و سه اقدام انجام داده است: ۱. مفهوم پردازی نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، ۲. اقدامات قضایی-امنیتی و ۳. اقدامات سیاسی-امنیتی.

واژه‌های کلیدی

خشونت، زنان، شورای امنیت، مخاصمات مسلحانه.

۱. مقدمه

از آغاز پیدایش بشریت تاکنون به دلایل مختلفی جنگ‌هایی شکل گرفته که تأثیرات منفی در سطوح فردی، دولتی و بین‌المللی داشته است. بنابراین رسیدن به وضعیت امن و عاری از جنگ از اولویت‌های نخست واحدهای سیاسی است. در کنار این مسائل، جنگ عامل اصلی نقض حقوق بشر است، زیرا در مخاصمات، غیرنظامیان از جمله زنان بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. اما تأثیرات خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه در چندین بعد قابل بررسی است که مهم‌ترین جنبه آن امنیتی است، زیرا علاوه بر تأثیرات بسیار مخرب بر قربانی، بنیاد خانواده و جامعه را در هم می‌شکند و امنیت جهان را هدف قرار می‌دهد. نکته مهم دیگر آن است که با عدم جرم‌انگاری خشونت علیه زنان در جنگ‌ها این روش می‌تواند به‌عنوان یک قاعده جنگی در عرصه بین‌المللی رویه‌سازی شود. شایان ذکر است تأثیرات زنان آسیب‌دیده تنها به کشور یا جامعه خاصی محدود نمی‌شود، زیرا در بیشتر موارد با مهاجرت آنها به سایر کشورها، ناامنی به سایر نقاط انتقال می‌یابد و در نگاهی جامع‌تر امنیت جامعه بین‌المللی به خطر می‌افتد. اما سؤال آن است که نقش و عملکرد شورای امنیت به‌عنوان رکن مهم سازمان ملل متحد که وظیفه صلح و امنیت بین‌المللی را دارد، در موضوع زنان در مخاصمات مسلحانه چگونه بوده است؟ و آیا اقدامی به‌منظور محافظت از زنان در جنگ‌ها در فاصله زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ انجام داده است؟

با گذری به تاریخ باید گفت که از آغاز پیدایش جنگ تا پس از جنگ جهانی دوم هیچ معاهده و قانونی به شکل صریح به حقوق زنان و منع خشونت علیه آنها اشاره نداشته و فقط از کلمه مردم بی‌دفاع و غیرنظامیان استفاده می‌شده است. اما پس از جنگ جهانی دوم با ایجاد سازمان ملل متحد و رکنی به نام شورای امنیت این امید به‌وجود آمد که در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی فعال‌تر عمل می‌شود؛ با این حال به‌دلیل جنگ سرد و رقابت و اعمال حق و تو، این رکن از کارکرد اصلی خود فاصله گرفت و تنها مصادیق تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را در ابعاد نظامی خلاصه کرد. اما بعد از سال ۱۹۹۱ به‌دلیل تغییر شرایط بین‌المللی، مفهوم امنیت گسترش یافت و حوزه وسیعی از امور از جمله مسائل حقوق بشری در دایره مسائل امنیتی شورای امنیت قرار گرفت. از سوی دیگر، با توجه به افزایش قربانیان غیرنظامیان به‌ویژه زنان در مخاصمات مسلحانه، نقض حقوق زنان در دستور کار شورا قرار گرفت و متعاقباً مفهوم پردازی در این خصوص انجام پذیرفت. در نتیجه این امور زمینه‌ای را فراهم آورد تا شورا ذیل ماده ۳۹ دستور به تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی برای رسیدگی به نقض حقوق زنان در جنگ‌های مسلحانه دهد و قطعنامه‌هایی را نیز به تصویب رساند. بنابراین عملکرد شورای امنیت در خصوص نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه بسیار مهم است، زیرا

سبب شروع یک رویه امنیتی نسبت به حقوق این گروه و گسترش مفهوم امنیت انسانی در این قالب شد. در نتیجه امنیتی ساختن امری سیاسی است که باساز ضرورت ایجاد می‌شود تا مشکلی را حل کند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). در این زمینه شورا از ارکان مهم در ایجاد این رویه است. از سوی دیگر، بررسی نقش و رویه شورای امنیت در این حوزه کمک خواهد کرد تا با ارائه راهکارهای لازم در پویاتر شدن این رکن مهم در حمایت، حفاظت و ارتقای حقوق زنان مؤثر یاری رساند. با این اوصاف در مقاله سعی شده است تا مروری بر گسترش مفهوم امنیت، عملکرد شورای امنیت در سه بعد مفهوم پردازی حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه، اقدامات قضایی-امنیتی و اقدامات سیاسی-امنیتی انجام گیرد و پس از ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های آنها پیشنهادهایی ارائه شود.

۲. امنیت و تفسیر آن در پرتو جهانی شدن و افزایش مخاصمات

در تعریف اولیه از امنیت، فقدان تهدید و رهایی از تهدید بیرونی که ناشی از نگرش سلبی است، اهمیت خاصی دارد (Bellany, 1981: 158)، اما در نگاه جامع امنیت به معنای حفظ افراد در برابر تهدیدات و کمک به آنها برای رشد در جهت کمال تعریف می‌شود. بنابراین امنیت نه تنها به معنای فقدان تهدیدات نظامی است، بلکه به معنای آزادی از فقر و برخورداری از حقوق بشر است (Macdonald, 2008: 566). در نتیجه امنیت حوزه وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد. مفهوم امنیت در جامعه جهانی نیز متناسب با این تعاریف به معنای آرامش و ثبات و نیز نبود تهدید در نظام بین‌الملل است.

برای مدت‌ها با شکل‌گیری رشته روابط بین‌الملل و تسلط رویکردهای سنتی دولت‌ها به‌عنوان موضوع یا تابع اصلی امنیت د نظر گرفته می‌شدند و قدرت نظامی و مصون نگاه‌داشتن آنها از تهدیدات نظامی خارجی اهمیت ویژه‌ای داشت (لسانی و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۴۶)، اما با پایان یافتن جنگ سرد، جهان با تحولات گوناگونی همراه شد که شاخصه برجسته آن را می‌توان افزایش فزاینده تعداد مخاصمات مسلحانه دانست. در واقع آنچه پس از جنگ سرد به دغدغه اصلی جامعه بین‌المللی تبدیل شد، رشد فزاینده قربانیان غیرنظامی در جنگ‌های مسلحانه بود (Mooney, 2010: 62). بنابراین در چنین وضعیتی دولت‌ها نسبت به گذشته احساس امنیت بیشتری می‌کردند؛ درحالی‌که شهروندان فاقد چنین امنیتی بودند (تیگروم، ۱۳۸۹: ۲۴). در کنار این مسائل، مطرح شدن عواملی مانند مهاجرت‌های فزاینده، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، شیوع بیماری‌های واگیردار، نقض حقوق بشر و حتی تخریب محیط زیست زمینه را برای تعمیم مفهوم امنیت به ابعاد غیرنظامی فراهم ساخت. در نهایت این عوامل در عالم جهانی شده این معنا

را به دنبال داشت که تهدیدات می‌توانند بر امنیت کل افراد بشری اثر بگذارند و متعاقباً ایجاد امنیت مستلزم مشارکت بین‌المللی است (Deng, 1996:27).

در مجموع باید گفت جهانی شدن، افزایش مخاصمات مسلحانه و تأثیرات آن بر زندگی افراد در کنار سایر عوامل سبب شد تا ماهیت تهدیدات امنیتی تغییر یابد؛ به گونه‌ای که مفهوم امنیت حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و حقوقی را در برگیرد (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۰). بنابراین با توجه به گسترش مفهوم امنیت و ابعاد آن و نیز نیاز به دستور کار جدید برای امور امنیتی، شورای امنیت دستور کار جدیدی را در مباحث امنیتی در پیش گرفت (Gruenberg, 2009: 491). نمود این تحول را می‌توان در قطعنامه ۶۸۸ (۱۹۹۱) دانست که طی آن دولت عراق به دلیل خشونت علیه غیرنظامیان و تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی محکوم شد. در نتیجه شورای امنیت با این اقدام با تفسیر موسع از موارد تهدید علیه صلح و امنیت، دایره اقتدارات خود را توسعه بخشید (سادات میدانی، ۱۳۸۴: ۵۰). در این خصوص یکی از موضوعاتی که شورای امنیت از آن به عنوان تهدیدات امنیتی بین‌المللی نام برده، نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه است. در این زمینه ابتدا شورا با مفهوم‌پردازی حقوق زنان در جنگ‌ها زمینه مناسبی را برای اقدامات قضایی و سیاسی در قالب حفظ صلح و امنیت بین‌المللی فراهم ساخت تا بدین طریق بتواند از زنان در مخاصمات مسلحانه حمایت و حفاظت کند.

۳. مفهوم‌پردازی حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه به‌عنوان مصادیق امنیت بین‌المللی

مهم‌ترین تحول پس از سال ۱۹۹۱ گسترش مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و ارتباط آن با حقوق بشر بود. بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران به‌ویژه حقوقدانان بین‌المللی بر این امر تأکید کردند که میان استقرار صلح و امنیت بین‌المللی و تأمین و تضمین حقوق بشر از جمله زنان رابطه دیاکتیکی وجود دارد. بنابراین فقدان صلح و امنیت و منازعات خشونت‌بار، نقض وسیع حقوق بشر را در پی دارد. از طرف دیگر، عدم رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری، زمینه بروز خشونت و نقض صلح و امنیت را فراهم می‌کند.

براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۱۹۹۲) که جامع‌ترین تعریف را از امنیت انسانی ارائه کرده، بیان شده است که امنیت انسانی به زندگی و منزلت شهروندان مربوط می‌شود و مردم‌محور است. در این گزارش تهدیدات امنیتی انسانی به هفت گروه اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی تقسیم شده است (صبانیان، ۱۳۹۳: ۹۶). در بحث امنیت شخصی دو معنا مطرح است: اول، معنای عام که به‌نوعی تمام حقوق بشر

را در برمی‌گیرد و دیگری، معنای خاص از امنیت شخصی که از ماده ۱ میثاق حقوق مدنی سیاسی با عنوان «حق بر آزادی و امنیت شخصی» برداشت می‌شود (صادقی‌زیاری و ابراهیمی‌منش، ۱۳۹۳: ۱۷۳). حق بر امنیت شخصی در زمره حقوق طبیعی و از مباحث بسیار مهم حوزه عدالت کیفری تلقی می‌شود که برای رسیدن به آزادی‌ها و سایر حقوق باید افراد را در برابر سلب آن حمایت کرد، زیرا در شرایط فقدان آزادی و وجود تهدیدهای امنیتی، امکان برخورداری از سایر حقوق تضعیف می‌شود. امنیت شخصی دارای چهار بعد تساوی قانون، رهایی از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی، برابری و عدم تبعیض و آزادی شخصی می‌شود. بر این اساس می‌توان امنیت شخصی را امنیت از خشونت تعریف کرد که خود اشکال متفاوتی مانند شکنجه، جنگ، جرائم خشونت‌بار یا خشونت‌های مبتنی بر جنسیت را شامل می‌شود (تیگراشتروم، ۱۳۸۹: ۳۸). در نتیجه خشونت علیه زنان در تمامی شرایط از جمله مخاصمات مسلحانه به‌عنوان تهدید امنیت شخصی است که می‌تواند ناامنی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و غذایی را به‌وجود آورد.

با این اوصاف با افزایش مخاصمات مسلحانه پس از سال ۱۹۹۱ و همچنین افزایش قربانیان زن در چنین شرایط شورای امنیت در سال ۱۹۹۲ برای اولین بار به نقض حقوق زنان در جنگ‌های مسلحانه (جدا از مفهوم غیرنظامیان) توجه کرد و با صدور دو قطعنامه ۷۷۰ و ۷۸۰ از آن به‌عنوان تهدید امنیتی نام برد (U.N.Doc, SC/ Res/770, 780). البته شایان ذکر است که پیش از توجه شورای امنیت به این موضوع، سایر ارکان سازمان ملل متحد (مجمع عمومی و شورای اقتصادی-اجتماعی) به اهمیت این موضوع اشاره داشته‌اند و در این خصوص اعلامیه، کنوانسیون و ارکان اجرایی برای نظارت بر حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه ترتیب داده بودند. بنابراین تمامی این موارد زمینه مناسبی را برای شورای امنیت به‌وجود آورد تا این موضوع را در دایره تهدیدات امنیتی قرار دهد و در این خصوص در دو بعد قضایی-امنیتی و سیاسی-امنیتی گام بردارد.

عملکرد قضایی-امنیتی شورای امنیت در خصوص نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه

تجربه جامعه جهانی برای محاکمه مرتکبان جنایات علیه زنان در مخاصمات مسلحانه از سال ۱۹۹۱ طی جنایات گسترده‌ای بود که پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی و بروز جنگ‌های داخلی به‌وجود آمد. اولین گام شورای امنیت در بعد قضایی-امنیتی تشکیل دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایاتی بود که در بوسنی و هرزگوین رخ داد. در جنگی که از ۶ مارس ۱۹۹۲ میان صرب‌ها با مسلمانان و کروات‌ها رخ داد، غیرنظامیان به‌ویژه زنان آسیب

دیدند (Hoogh, 2001: 258-259)، به گونه‌ای که تا پایان جنگ ۲۰ الی ۶۰ هزار زن مسلمان مورد تجاوز قرار گرفتند که در این میان دختران ۱۰ تا ۳۰ ساله به شدت مورد سوءاستفاده جنسی قرار داشتند. از سوی دیگر، ۷۰ درصد کشته‌شدگان جنگ در بوسنی و هرزگوین زن بودند و از میان اسرا ۱۲۰ هزار زن شناسایی شدند. در مجموع اقدامات انجام‌گرفته بیانگر عملکرد آگاهانه و هدفمند با رویکرد جنسی بود که به منظور دستیابی به اهداف راهبردی به کار گرفته می‌شد؛ که نمود آن پاکسازی قومی، اخراج دسته جمعی، شکنجه، تبعیدهای دسته جمعی، مثله کردن، تجاوز گسترده به زنان، تخریب اماکن عمومی و غیرنظامی، کوچ اجباری و ... بود (Ezani & Jones, 2016: 172).

در این زمینه شورای امنیت طی چندین نوبت صدور قطعنامه^۱ و محکومیت نقض حقوق بشر به ویژه خشونت علیه زنان، براساس گزارش کمیسیون کارشناسان در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ نقض فاحش و همه جانبه حقوق بشر دوستانه بین المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی اعلام کرد و براساس فصل هفتم منشور دستور به تشکیل دادگاه بین المللی داد (U.N.Doc ,SC/ Res/827). طبق نظر دادگاه تجاوز جنسی در سرزمین یوگسلاوی سابق طبق مواد ۲، ۳، ۴ و ۵ اساسنامه به ترتیب ذیل چهار عنوان نقض فاحش مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، تخلف از قوانین و عرف‌های جنگ، نسل‌زدایی و جنایت بر ضدانسانیت ممنوع، قابل پیگرد و مشمول مجازات بیان شد (شیایری، ۱۳۸۳: ۶۲۷). در مجموع این دادگاه دارای نقاط قوت و ضعف گوناگونی بود. به شکل مثال در دادگاه مزبور برای اولین بار تجاوز جنسی به عنوان جنایت علیه بشریت مطرح شد که این خود پیشرفت بزرگی نسبت به سایر دادگاه‌ها بود؛ اما از سوی دیگر عدم اشاره به تمامی خشونت‌های جنسی بیانگر ضعف آن بود (یاوری، ۱۳۹۷: ۳۸). البته ضعف دادگاه یوگسلاوی سابق تنها در این زمینه خلاصه نمی‌شد؛ به شکل مثال عدم فراهم کردن سیستم حمایتی کارآمد برای زنان قربانی خشونت جنسی در جریان رسیدگی‌های کیفری از دیگر مواردی بود که به آن توجه نشده بود. با تمامی این اوصاف تشکیل این دادگاه از این بعد که نخستین گام توسط شورای امنیت در جهت حمایت از حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه تحت فصل ۷ بود، مهم و شایان توجه است.^۲ در دادگاه مربوطه ۱۷۱ پرونده برای سران حکومت، نخست‌وزیران، مقامات نظامی و رؤسای پلیس به واسطه

۱. شورای امنیت در ۱۳ اوت ۱۹۹۲ در قطعنامه ۷۷۱ ضمن محکومیت نقض حقوق بشر، از طرف‌های درگیر می‌خواهد تا به رعایت حقوق انسانی پایبند باشند (U.N.Doc ,SC/ Res/770). در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ شورای امنیت تجاوز به زنان را مغایر با ارزش‌های انسانی مطرح کرد و خواهان تعطیلی تمامی بازداشتگاه‌ها شد (U.N.Doc ,SC/ Res/789).

۲. برخی از این اقدام شورای امنیت با عنوان عدالت انتقالی نام می‌برند که باز هم در این تعریف به پیوند سه مفهوم امنیت، عدالت و زنان در مخاصمات مسلحانه می‌رسیم که هریک از این سه مفهوم بدون دیگری تحقق و معنا نمی‌یابد.

جنایت ارتكابی تشکیل شد (داکریان و آقاعلیخانی، ۱۳۹۱: ۲۱۸) که ۸۵ نفر از آنهايي که برايشان کيفرخواست صادر شده بود، به خشونت جنسی متهم شدند^۱ (www.un.org.icty).

مورد بعدی جنگ داخلی رواندا بود. در واقع پس از انتقال رواندا به عنوان مستعمره به حکومت بلژیک در جنگ جهانی، سیاستی در پیش گرفته شد که در آن اقلیت توتسی و اکثریت هوتو به اختلافات قومی و نژادی کشیده شدند (Boed, 2001: 60). این درگیری پس از سقوط هواپیمای حامل رئیس‌جمهور رواندا در ۶ آوریل ۱۹۹۴ شدت یافت و کشتار دسته‌جمعی و خشونت علیه غیرنظامیان به‌ویژه زنان افزایش یافت (http://snn.ir). براساس آمار ارائه‌شده حدود ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار زن و دختر توتسی مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند که بسیاری از آنها از روی عمد توسط مردان مبتلا به ایدز انجام گرفته بود (http://www.bbc.co.uk)، البته برخی از زنان به کشورهای همسایه مهاجرت کردند و مشکلاتی را به وجود آوردند. با تمامی این اوصاف سازمان ملل متحد در آغاز به این درگیری به چشم جنگ قومی - داخلی می‌نگریست و سکوت کرده بود (Barnett, 2002: 112-113)، اما با گسترش جنایت جنگی به‌ویژه تجاوز جنسی توجه شورای امنیت به شرایط موجود در رواندا جلب شد و در اول ژوئیه ۱۹۹۴ نقض حقوق بشر به‌ویژه زنان را محکوم و از شرایط موجود ابراز نگرانی کرد (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۶).

در مجموع طی گزارش کمیسیون کارشناسان^۲ و نیز نظر دبیرکل سازمان ملل متحد، شورا طی قطعنامه ۹۵۵ در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ بیان کرد که براساس فصل ۷ منشور و درخواست دولت رواندا، نسبت به ایجاد دادگاهی برای تعقیب اشخاصی که مرتکب نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی شدند، اقدام خواهد کرد (U.N.Doc, SC/ Res/955).^۳ با تشکیل دادگاه بین‌المللی رواندا کمیته تجاوزات جنسی به‌وجود آمد تا در مورد مسائل مختلف از جمله شیوه بازجویی جرائم مزبور بررسی‌های لازم را به‌عمل آورد. طبق گزارش‌های کمیته مذکور تجاوزات و جرائم جنسی صورت گرفته (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶: ۱۵۷) و طبق مواد ۲، ۳ و ۴ اساسنامه تحت عنوان نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و موارد تخلف از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم، ممنوع، قابل پیگرد و مجازات است (کیتی‌شایبزی، ۱۳۸۳: ۲۴۸-۲۴۶) در این دادگاه طی صدور احکامی، ۶۵ تا ۷۰ نفر مورد تعقیب قرار گرفتند که ۳۵ نفر آنها مرتکب جنایت خشونت جنسی شده بودند (خاک، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

۱. در این زمینه برای اسلوبودان میلوسویچ، رئیس‌جمهور سابق صربستان و یوگسلاوی کيفرخواستی به‌دلیل ارتكاب جنایات علیه بشریت صادر شد (دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد در ایران، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

۲. طبق گزارش کمیسیون کارشناسان نقض حقوق بشردوستانه و جرائم علیه بشریت در جنگ ارتكاب یافته بود.

۳. در کنار دادگاه بین‌المللی کيفری رواندا، دادگاه ملی - محلی موسوم به کاپچا برای محاکمه جنایتکاران تشکیل شد.

با تمامی این اوصاف دادگاه رواندا قوت‌ها و ضعف‌هایی در رسیدگی به جرائم مربوطه داشت. نقطه قوت دادگاه رواندا این بود که در تعریف خشونت جنسی تعریفی فرای تجاوز جنسی ارائه کرد؛ اما در مقابل عناصر و مصادیق خشونت جنسی را به صراحت بیان نداشت که این امر خود خلأ مفهومی را برای رسیدگی به جرائم ایجاد کرد. از سوی دیگر، این دادگاه در رسیدگی به جرائم جنسی علیه زنان با تأخیر عمل می‌کرد که نشان‌دهنده عدم اولویت قرار دادن این موضوع در دادگاه بود (یاوری، ۱۳۹۷: ۴۵). با این حال این بار دوم بود که شورای امنیت با استفاده از اختیارات خود در فصل هفتم، جنایات علیه زنان در جنگ رواندا را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص داد و دستور تشکیل دادگاهی برای رسیدگی به آن را صادر کرد. شایان ذکر است که در دادگاه رواندا و یوگسلاوی برای نخستین بار جنایت جنسی به‌عنوان جنایاتی مستقل مورد محاکمه و مجازات قرار گرفت و رویکرد موسع و حمایت‌گرایانه‌ای در خصوص احراز عدم رضایت قربانی و اجباری بودن عمل جنسی با توجه به شرایط جنگی اتخاذ شد. تمامی این امور نشان‌دهنده پیشرفت عظیم در مورد حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه در دادگاه بین‌المللی بود (ژیان‌پور و کمیلی‌پور، ۱۳۹۷: ۵۵).

اما اقدامات شورای امنیت در حمایت و حفاظت از زنان در مخاصمات مسلحانه به این دو مورد خلاصه نمی‌شود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ جنگی ده‌ساله در سیرالئون آغاز شد که با اوج‌گیری آن در نوامبر ۱۹۹۶ جنایت‌های جنگی علیه زنان تشدید یافت (Error! Hyperlink (reference not valid). در پی جنایات وسیع به‌ویژه علیه زنان، شورای امنیت خشونت‌های انجام‌گرفته در سیرالئون را محکوم کرد و پیوسته از طرفین درگیر درخواست کرد تا تعهداتی را که به موجب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دارند، محترم شمارند. شورا با تصویب چندین قطعنامه این موارد را پیگیری کرد که شامل ۱۱۳۲، ۱۱۷۱، ۱۲۲۰، ۱۲۳۱ و ۱۲۴۵ می‌شد (U.N.Doc, SC/ Res/1132, 1171, 1220, 1231, 1245). در نهایت شورا در ۱۴ آگوست ۲۰۰۰ شرایط سیرالئون را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه خواند و قطعنامه ۱۳۱۵ را بدون ارجاع صریح به فصل هفتم منشور ملل متحد صادر کرد. شورا در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ دستور به تشکیل دادگاه ویژه‌ای در قالب دادگاه مختلط داد (U.N.Doc, SC/ Res/1315). در پی تصویب ایجاد دادگاه، شورا دستور به تشکیل کمیته حقیقت و سازش سیرالئون داد تا اطلاعات لازم را در خصوص جنایات به‌ویژه خشونت‌های جنسی و تجاوز به زنان به‌دست آورد (Ari and Harsh, 2005: 16). براساس گزارش ۱۵۰۰ صفحه‌ای کمیته بیش از ۱۰۰۰۰ بزرگسال قربانی این جنگ شده بودند که ۳۳/۵ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دادند. در مجموع گزارش کمیته حاکی از آن بود که تمامی گروه‌های مسلح به حقوق زنان و دختران تجاوز کردند و این خشونت‌ها شامل کشتن، خشونت جنسی به‌ویژه تجاوز، آدم‌ربایی، قطع عضو،

حاملگی اجباری، دریدن شکم زنان حامله، شکنجه، قاچاق^۱ و تصرف دارایی‌های آنها می‌شد.^۲ این دادگاه طبق مواد ۲، ۳ و ۵ اساسنامه مربوط به جنایت ضدانسانیت، تخلف از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم و جنایات پیش‌بینی‌شده در حقوق سیرالئون را ممنوع، قابل پیگرد و مجازات اعلام کرد^۳ (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۶۶۱-۶۵۹). از نوآوری‌های این دادگاه در نظر گرفتن بازپرسی با صلاحیت ویژه در امور مربوط به خشونت علیه زنان بود. تاکنون دادگاه سیرالئون آرای بسیاری را در محکومیت اعضای سطح بالای جناح‌های متخاصم صادر کرده که از جمله آنها می‌توان به جبهه متحد انقلابی، شورای انقلاب نیروهای مسلح، نیروهای دفاع ملی و چارلز تیلور رئیس‌جمهور سابق لیبریا اشاره کرد. نکته مهم در این دادگاه ساختار حقوقی منحصر به فرد آن (ترکیب عناصر ملی و بین‌المللی) بود که سبب شد تا دولت در روند رسیدگی به جرائم همکاری کنند. این در حالی بود که در دادگاه یوگسلاوی و رواندا دولت‌ها همکاری لازم را انجام ندادند (خیابانی، ۱۳۸۸: ۹).

سودان یکی دیگر از اقدامات قضایی - امنیتی شورای امنیت در خصوص خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه بود. جرقه اولیه بحران در سال ۱۹۸۶ طی تجمع قبایل عربی علیه قبیله فور آغاز شد و در ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۳ وارد دوران جدیدی شد (محمدی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۸۶). در جریان این جنگ، زنان هدف خشونت‌های متعددی از جمله قتل، اعدام‌های خودسرانه، شکنجه، تجاوز به عنف و هتک ناموس، تخریب و غارت اموال قرار گرفتند (باباخانی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). بنا به گزارش سازمان ملل متحد تجاوز به عنف به صورت گسترده و همراه با دیگر اشکال فاحش خشونت ارتکاب یافته و تجاوزات معمولاً بیش از یک بار و همراه با دیگر اعمال خشونت‌آمیز انجام گرفته بود (UNHRC Report, 2004: 66). در نگاه کلی می‌توان موارد ارتكابی را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. تجاوزات گروهی در جریان حملات؛ ۲. ربودن دختران و زنان، حبس و هتک ناموس به عنف؛ ۳. آوارگی و تجاوزات در کمپ‌های پناهندگان؛ و ۴. شکنجه و آزار و اذیت (Report of the International Commission of Inquiry on Darfur, 2004: 334). شواهد سازمان عفو بین‌الملل نیز حکایت از آن داشت که تجاوز به عنف و دیگر اشکال

۱. براساس گزارش‌ها حدود ۷۳ درصد گزارش‌ها مربوط به آدم‌ربایی از میان زنان و دختران بوده است.

۲. به دلیل تجاوز و بردگی جنسی وسیع زنان در جنگ، ایدز و دیگر بیماری‌های جنسی در سیرالئون بسیار شایع شد؛ به گونه‌ای که طبق گزارش‌های سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱ حدود ۱۷۰۰۰۰ فرد ۱۵ تا ۴۹ ساله به بیماری ایدز مبتلا بودند که ۹۰ هزار نفر از آنان زن بودند (www.unwomen.org).

۳. یکی از نوآوری‌های دولت سیرالئون در این جنگ، تصویب قانونی مبتنی بر ازدواج متجاوز با قربانی بود.

۴. نهادهای بشردوستانه گزارش کرده‌اند که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد زنانی که چادرها را به منظور جمع‌آوری هیزم ترک کرده‌اند، قربانی تجاوز و خشونت‌های جنسی شده‌اند (www.unwomen.org).

۵. زنان آواره در گفت‌وگو با نمایندگان شورای امنیت از نیاز به حمایت بیشتر برای مقابله با چنین تجاوزاتی سخن گفتند و مدعی بودند در اثر تجاوزات بسیاری از دختران با سنین پایین (۱۰ ساله) حامله شده‌اند.

خشونت جنسی از ابزارهای جنگ در جهت تحقیر، تنبیه، ترویج ترس و جابه‌جایی زنان و خانواده بوده و بخشی از عملیات گسترده و سیستماتیک جنایات علیه بشریت تلقی می‌شده است (www.amnesty.org). از سوی دیگر، گستردگی فجایع، حملات سیستماتیک، کشتار وسیع، جابه‌جایی اجباری، تجاوز و انگیزه‌های نژادپرستانه مرتکبان نیز بیانگر جنایت ژنوساید بود (سواری، ۱۳۹۰: ۲۵۴).

در چنین شرایطی بود که شورای امنیت قطعنامه ۱۵۴۷ را در قالب فصل ششم منشور صادر و از وضعیت موجود در دارفور اظهار نگرانی کرد (U.N.Doc, SC/ Res/1547). بعد از این اقدام، شورا قطعنامه‌های ۱۵۵۶، ۱۵۶۴، ۱۵۹۱ را براساس فصل هفتم منشور صادر کرد و به دولت سودان در خصوص رعایت موازین حقوق بشر و خلع سلاح شبه‌نظامیان و نیز استقرار صلح و امنیت در منطقه هشدار داد (U.N.Doc, SC/ Res/1556, 1564, 1591). با ادامه بحران در این کشور، شورای امنیت در اقدامی تاریخی در قطعنامه ۱۵۹۳ مورخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ پرونده دارفور را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد^۱ (U.N.Doc, SC/ Res/1593)، البته اقدامات شورای امنیت در این خصوص به این موارد خلاصه نشد؛ بلکه تصویب قطعنامه ۱۷۰۶ و ۱۷۱۴ را نیز در پی داشت (U.N.Doc, SC/ Res/1706, 1714). با این حال درگیری در دارفور در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به اوج رسید و سازمان دیدبان حقوق بشر در فوریه ۲۰۱۵ اعلام کرد که نیروهای سودانی به ۲۲۱ زن و دختر در شهر دارفور تجاوز کردند (www.hrw.org). این دادگاه احکام زیادی را در مورد مقامات نظامی، وزرا و ... صادر کرد که یکی از آنها عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان بود. طبق نظر دادستان، عمرالبشیر متهم به ارتکاب ۵ فقره جنایت علیه بشریت، دو فقره جنایت جنگی و سه فقره جنایت ژنوساید شد (امامیان و عزیز، ۱۳۹۷: ۹۰).

در مجموع باید گفت که تشکیل این دادگاه‌ها توسط شورا از چند بعد اهمیت دارد؛ اول مهم بودن حقوق زنان و حفظ آنان در جنگ‌های مسلحانه که در صورت ارتکاب جرم علیه آنها، با مجازات بین‌المللی روبه‌رو خواهند شد. از سوی دیگر، این دادگاه‌ها نشان‌دهنده تفسیر موسع شورای امنیت سازمان ملل متحد از صلح و امنیت بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد بود که متناسب با آن محدوده فعالیت خود را به‌طور چشمگیری گسترش داده و در مورد حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه به‌نوعی قانون‌گذاری کرده است. بنابراین شورا با جرم‌انگاری جنایات علیه زنان در مخاصمات مسلحانه، صلاحیت قضایی - امنیتی خود را گسترش داد و در بعد امنیتی ساختن این موضوع دومین گام خود را برداشت. با تمامی این مسائل شورا اقدامات

۱. در این قطعنامه مقرر شد پرونده ۵۱ تن از افراد مظنون به ارتکاب جنایات جنگی در ایالت دارفور به دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه ارجاع شود.

خود را در حمایت از حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه به اقدامات قضایی محدود نکرد و برای حمایت و حفاظت این گروه اقدامات سیاسی-امنیتی را در دستور کار خود قرار داد.

۴. اقدامات سیاسی-امنیتی شورای امنیت در خصوص نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه

با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و همچنین پیچیده‌تر شدن برخی بحران‌ها شورای امنیت حوزه تعریف خود از تهدیدات امنیتی را گسترش داد و یکی از مصادیق آن را خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه معرفی کرد. در این زمینه شورا ابعاد جنسیتی در مسائل صلح و امنیت را شناسایی و آثار درگیری‌های مسلحانه بر زنان را بررسی کرد که نمود آن را می‌توان در چند دسته قطعنامه مشاهده کرد:

الف) قطعنامه‌های با موضوع زنان، صلح و امنیت که دربرگیرنده ۱۳۲۵، ۱۸۲۰، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۲۱۰۶، ۲۱۲۲، ۲۱۷۱ و ۲۲۴۲ می‌شود. در این گروه شورا به‌صراحت به ارتباط خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه و به خطر افتادن صلح و امنیت اشاره کرده است. در شرح این دسته از قطعنامه‌ها باید گفت که قطعنامه ۱۳۲۵ با ۱۸ بند در زمره قطعنامه‌های تقنینی گنجانده می‌شود که تلاش داشت تا هنجارسازی میان سه مفهوم صلح، امنیت و زنان ایجاد کند. در قطعنامه مزبور برای حمایت از زنان در درگیری توصیه‌هایی ارائه شده است: ۱. پایبندی طرف‌های درگیر به قوانین و مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق زنان و دختران؛ ۲. اقدامات خاص برای محافظت زنان از تمامی اشکال خشونت جنسی. یکی از دغدغه‌های مهم این قطعنامه منسوخ شدن فرهنگ غفو بود و در این زمینه به دبیرکل توصیه شد تا در جهت نقش‌آفرینی و مشارکت زنان در مسائل حقوق بشر اهتمام ورزد (U.N.Doc, SC/ Res/1325). در مجموع بحث زنان و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از قطعنامه ۱۳۲۵ نمود سیاسی پیدا کرد و زمینه را برای صدور سایر قطعنامه‌ها فراهم ساخت.

دومین قطعنامه ۱۸۲۰^۲ بود که در آن خواسته شد تا جامعه بین‌الملل عکس‌العمل شدیدتری را در مورد خشونت جنسی نشان دهد و در عین حال دولت‌ها نسبت به فعالیت نیروهای نظامی خود، شناسایی جرائم جنسی و محکوم کردن عاملان جنایت پاسخگوتر باشند. در این قطعنامه بیان شده که حمایت از زنان و دختران در درگیری‌های مسلحانه از تعهدات تمامی کشورها (طبق قوانین بین‌المللی بشردوستانه) است. بر این اساس خشونت جنسی علیه زنان

۱. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی، کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان و پروتکل الحاقی آن، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و اساسنامه رم.

۲. این قطعنامه در ۱۶ بند در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸ به تصویب رسید.

به‌عنوان یک روش جنگی محکوم است و تمامی طرف‌های درگیر نباید از آن به‌عنوان تاکتیک استفاده کنند، زیرا سبب جریحه‌دار شدن احساسات بشری می‌شود. در این خصوص همچنین توصیه شده تا با بی‌کیفرمانی مجرمان مقابله شود و در کنار آن از دبیرکل خواسته شده است تا کمیته‌ای برای آموزش به زنان آسیب‌دیده ایجاد کند (U.N.Doc, SC/ Res/1820).

شورای امنیت در قطعنامه^۱ ۱۸۸۸ که سومین قطعنامه در حوزه زنان و جنگ است، به‌طور خاص مأموریت‌های حفظ صلح را برای محافظت از زنان و کودکان از خشونت‌های جنسی گسترده در حین جنگ مسلحانه اعطا و از دبیرکل درخواست کرد تا نماینده ویژه‌ای را برای هماهنگ‌سازی دامنه وسیعی از سازوکارهای مبارزه با جرائم انتخاب کند. در این میان خواسته شد تا به‌سرعت گروهی از کارشناسان به موقعیت‌هایی که نگرانی خاص در زمینه خشونت جنسی وجود دارد، فرستاده شوند تا حاکمیت قانون را تقویت کنند. در بحث پایان دادن به مصونیت مجرمان این قطعنامه بیان داشته که عدالت برای تعداد محدودی اجرا شده و این ضعف در سیستم عدالت بین‌المللی است. در این زمینه از دبیرکل خواسته شده است تا با انتخاب یک نماینده ویژه فعالانه عمل شود. همچنین توصیه شده تا مأموران و مشاوران جنسیتی در میان نیروهای حافظ صلح استفاده شود تا جامعه نسبت به خشونت جنسی در جنگ‌های مسلحانه حساس‌تر شود (U.N.Doc, SC/ Res/1888).

در ادامه شورای امنیت قطعنامه ۱۹۶۰ را در سال ۲۰۱۰ تصویب کرد و بر یک سیستم پاسخگو و مسئولیت‌پذیری در خصوص ارتکاب خشونت جنسیتی علیه زنان تأکید کرد. همچنین از دولت‌ها درخواست شد تا آمار و اطلاعات لازم را در خصوص ارتکاب خشونت جنسی علیه زنان را به شورای امنیت ارائه کنند. در این قطعنامه که در ۱۹ بند تهیه شد، بیان شد که ایجاد دادگاه گام مؤثری برای مقابله با جنایت علیه زنان بوده است. در این خصوص تأکید شد که زنان به‌عنوان رهبران حافظ صلح می‌توانند از فجایع بیشتر جلوگیری کنند؛ بنابراین باید فرصت بیشتری به آنان داده شود تا نقش‌آفرینی کنند (U.N.Doc, SC/ Res/1960).

در قطعنامه بعدی یعنی قطعنامه ۲۱۰۶ که در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳ در ۲۳ بند به تصویب رسید، اشاره شد که خشونت جنسی بخش جدایی‌ناپذیر جنگ است و بهترین راهکار برای جلوگیری از این گونه اتفاقات توانمندسازی زنان در حوزه‌های گوناگون و دادن نقشی برابر به زنان است. از نکات مهم این قطعنامه تأکید بر آثار منفی خشونت جنسی بر میزان مشارکت زنان و به‌خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی بود. در قطعنامه مزبور بیان شد که از چالش‌های مهم در تجاوز جنسی گسترش ایدز است که در این زمینه ارائه خدمات بهداشتی در جلوگیری از آن بسیار

۱. این قطعنامه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ در ۲۹ بند با ۱۵ رأی موافق به تصویب رسید.

مؤثر است. همچنین قطعنامه مزبور اتخاذ رویکرد جامع در خصوص عدالت انتقالی را توصیه کرد. در واقع در این قطعنامه شورای امنیت به‌طور جزئی‌تر توصیه‌هایی را برای جلوگیری از خشونت جنسی در جنگ و پسا‌جنگ کرده ارائه کرده است (U.N.Doc, SC/ Res/2106).

در قطعنامه ۲۱۲۲ که در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۳ در ۱۹ بند تصویب شد، به آسیب‌های گوناگون زنان از جمله مهاجرت و بر خورداری از حقوق شهروندی نابرابر اشاره و بیان شد که اجرای قطعنامه‌های قبلی با کندی و آهستگی بوده است. از گام‌های مهم این قطعنامه این بود که مقرر کرد تا زنان در فرایند بازسازی و اعاده وضعیت به حالت سابق در کشورهای درگیر مخاصمات مسلحانه مشارکت داشته باشند. همچنین از دبیرکل درخواست شد تا در بخش‌های ارشد سازمان ملل متحد از زنان به‌عنوان مذاکره‌کننده استفاده کند (U.N.Doc, SC/ Res/2122).

در آخرین قطعنامه که دو سال بعد (۱۳ اکتبر ۲۰۱۵) در ۱۸ بند تصویب شد، در کنار افراط‌گرایی و تروریسم، مهاجرت، تغییرات آب‌وهوایی و مسائل بهداشتی از خشونت علیه زنان در جنگ‌ها به‌عنوان یکی از عوامل ناامن‌کننده نام برده شده و بیان گردیده که خشونت علیه زنان علاوه بر آسیب‌های فراوان، عاملی برای تشدید و طولانی شدن جنگ است. نکته مهمی که در سایر قطعنامه‌ها به آن اشاره نشده بود و تنها قطعنامه ۲۲۴۲ بر آن تأکید کرده، خشونت گروه‌های افراطی‌گرای علیه زنان با اهداف استراتژیک و ایدئولوژیک است. البته یکی از نگرانی‌های شورا، سوءاستفاده جنسی علیه زنان توسط نیروهای حافظ صلح مطرح شده است. در انتها شورا چند توصیه ارائه می‌کند: ۱. همکاری نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای در این زمینه؛ ۲. تحریم‌های هدفمند تا طرفین درگیری به‌ویژه تروریسم‌ها به حقوق بشر به‌ویژه زنان پایبند باشند؛ ۳. تعیین مجازات ملی برای مجرمان خشونت علیه زنان و تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مختلط در صورت لزوم (U.N.Doc, SC/ Res/2242).

ب) قطعنامه‌هایی با عنوان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در این قطعنامه شورا یکی از موارد تهدید علیه صلح و امنیت در عرصه بین‌المللی را اعمال خشونت علیه زنان در جنگ‌های مسلحانه معرفی کرده است. این قطعنامه‌ها شامل ۱۳۱۸، ۱۳۶۶، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۹۸۳، ۲۱۹۵، ۲۲۴۰، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۱۵۴، ۲۱۷۱، ۲۳۰۹، ۲۳۱۲، ۲۳۳۱، ۲۳۴۷، ۲۳۶۴، ۲۳۸۰ و ۲۳۸۸ است. در مجموع باید گفت که شورای امنیت از سال ۱۹۹۱ به بعد قطعنامه‌هایی با عنوان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به تصویب رسانده که در آنها ابتدا وظیفه خود را در این خصوص یادآور شده و بیان کرده که یکی از اهداف منشور احترام به حقوق بشر و حمایت از آن است. در ادامه تأکید شده که طبق ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد، مهم‌ترین مسئولیت شورا حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. سپس در این قطعنامه‌ها اشاره شده که در دنیای کنونی مسائل امنیتی گوناگونی به وجود آمده که گستره مسائل امنیتی را وسیع کرده است. در این دسته از

قطعه‌نامه‌ها بیان شده که مخاصمات مسلحانه تنها آثار اقتصادی ندارد؛ بلکه دارای آثار انسانی به‌ویژه بر روی گروه‌های آسیب‌پذیر است. یکی از این گروه‌ها زنان هستند که در جنگ‌ها مورد خشونت قرار می‌گیرند و این امر تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل به شمار می‌رود. در این خصوص شورا ابتدا طرف‌های درگیر در منازعات را به حل و فصل مسالمت‌آمیز ترغیب کرده و سپس به اتخاذ رویکردی جامع و پیشگیرانه در مورد جنگ و آثار آن تأکید کرده است. در پایان نیز بیان شده است که دولت‌ها مسئولیت اصلی احترام به حقوق بشردوستانه را دارند؛ ولی شورای امنیت به‌عنوان یک رکن مهم می‌تواند در رعایت و جلوگیری از جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی نقش مهمی ایفا کند.

ج) قطعه‌نامه‌هایی با موضوع حفاظت و حمایت از غیرنظامیان که از زنان و امنیت آنها در جنگ‌ها در کنار سایر اقشار و گروه‌ها مانند کودکان سخن گفته است. این گروه شامل قطعه‌نامه‌های ۱۲۶۵، ۱۲۹۶، ۱۵۰۲، ۱۶۷۴، ۱۷۳۸، ۱۸۹۴، ۲۱۷۵ و ۲۲۲۲ می‌شود. شورای امنیت در این قطعه‌نامه‌ها ابتدا از تأثیر مخاصمات مسلحانه بر غیرنظامیان ابراز نگرانی کرده و سپس به نقش خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، احترام به حقوق بشر و حمایت از این گروه اشاره کرده است. یکی از موارد مورد اشاره در این‌گونه قطعه‌نامه‌ها اتخاذ دیدگاه جنسیتی یکپارچه در ارائه کمک‌های بشردوستانه به زنان و دختران قربانی و آواره و تشکیل دادگاه برای رسیدگی به جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی است که در این خصوص به دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا به‌عنوان اقدامی مؤثر اشاره شده است. از نکات مهم در این سری از قطعه‌نامه‌ها، اشاره به آموزش لازم به مأموران حافظ صلح در خصوص مسائل جنسیتی بود. در واقع شورای امنیت همواره در بحث درگیری‌های مسلحانه حمایت از غیرنظامیان را یکی از دغدغه‌های اصلی خود می‌دانسته و سعی کرده است تا با توصیه و رهنمود به کشورهای درگیر از صدمه و آسیب گروه مزبور جلوگیری کند. در این زمینه از کشورها و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی درخواست شد تا حقوق این گروه را حفظ کنند، زیرا بر این باور است که با به خطر افتادن حقوق غیرنظامیان به‌ویژه زنان و کودکان، صلح و امنیت بین‌المللی نیز به خطر می‌افتد.

د) قطعه‌نامه‌هایی که به شکل موردی به یک بحران مانند تاجیکستان، افغانستان و آفریقا اشاره و بیان کرده‌اند که در درگیری‌ها و مخاصمات، غیرنظامیان به‌ویژه زنان آسیب‌های زیادی را متحمل شده‌اند. در این خصوص به مسئولیت دولت‌ها در احترام به حقوق بشر و به‌ویژه غیرنظامیان از جمله زنان توجه و تأکید شده که علاوه بر آنها سایر بازیگران غیردولتی نیز باید در این زمینه فعال عمل کنند. شایان ذکر است که در این قطعه‌نامه‌ها به بحث خشونت و نقض حقوق زنان در جنگ در کنار سایر امور اشاره شده و تصمیم خاصی اتخاذ نشده است. با این

حال نقض حقوق زنان را موضوع جدی و عاملی برای طولانی شدن جنگ مطرح کرده است که عواقب گسترده‌ای دارد.

در مجموع باید گفت با افزایش خشونت‌ها علیه زنان در مخاصمات مسلحانه و تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی توسط شورای امنیت، شورا میزان حمایت و اقدامات خود را برای زنان ذیل فصل هفتم افزایش داد و با صدور قطعنامه‌های اعلامی در جهت جلوگیری از نقض حقوق زنان توسط طرف‌های درگیر گام برداشت و سازوکارهای بین‌المللی و رسمی مبتنی بر جنسیت را لحاظ کرد. البته نکته مهم در خصوص اقدامات شورای امنیت در این حوزه آن است که در کنار حفاظت و ارتقای حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه این اختیار به شورا داده می‌شود تا در زمانی که در صورت نیاز و صلاحدید خود در جنگ مداخله نظامی کند و این موضوع مورد مناقشه است.

۵. نتیجه‌گیری

در مجموع باید گفت که امروزه خشونت علیه غیرنظامیان به ویژه زنان در مخاصمات مسلحانه و سوءاستفاده‌های متعددی که با توجه به جنسیت از آنها برای رسیدن به اهداف انجام می‌دهند، امری شناخته شده و بدیهی است؛ اما اگر بخواهیم در خصوص توجه شورای امنیت به بحث زنان در مخاصمات مسلحانه سخن بگوییم باید گفت که با افزایش توجه و ورود ابعاد غیرنظامی به حوزه مطالعات امنیتی و نیز افزایش قربانیان زن در مخاصمات مسلحانه در دوران پساجنگ سرد (۱۹۹۱ به بعد) شورای امنیت با ورود به بحث زنان و مخاصمات مسلحانه کارکرد چندلایه و چندگانه تولید حساسیت و آگاهی، هنجار و قانون را به وجود آورد و با عملکرد قضایی-امنیتی و سیاسی-امنیتی این کارکرد را تسهیل بخشید. در بعد قضایی-امنیتی شورا به منظور محکومیت و جلوگیری از بی‌کیفری ماندن متجاوزان، دستور به تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی کیفری داد که در این خصوص می‌توان به دادگاه‌های یوگسلاوی سابق، رواندا، سیرائون و سودان اشاره کرد. اما تشکیل این دادگاه‌ها از چند بعد اهمیت دارد؛ اول اهمیت حقوق زنان و حفظ آنها در جنگ‌های مسلحانه که در صورت ارتکاب افراد به این جرائم با مجازات بین‌المللی روبه‌رو خواهند شد. در نتیجه خشونت علیه زنان به عنوان یک جنایت جنگی تعریف شده که از دیدگاه بین‌المللی دارای کیفر است و تمامی این امور بیانگر جرم‌انگاری این جنایت علیه زنان توسط شورای امنیت است. از سوی دیگر، در بعد سیاسی-امنیتی نیز شورا با صدور چندین نوع قطعنامه سعی در جلوگیری از ارتکاب خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه کرده است. در این خصوص می‌توان به قطعنامه‌ها با عنوان زنان، صلح و امنیت بین‌المللی، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حفاظت و حمایت از غیرنظامیان و

جنگ‌های موردی اشاره کرد. در انتها باید اذعان داشت که شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از پایان جنگ سرد، با ارائه تفسیری موسع از صلح و امنیت بین‌المللی، محدوده فعالیت خود را به طور چشمگیری گسترش داده و حتی در مواردی اقدام به نوعی قانون‌گذاری کرده که یکی از آن موارد نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه بوده است.

با این حال با وجود توافق در خصوص قطعنامه‌های شورای امنیت، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها بیشتر کشورهای جهان قوانین موجود را زیر پا می‌گذارند و بدون هیچ ترس و اهمه‌ای، از خشونت جنسی به عنوان تاکتیک در جنگ استفاده می‌کنند که در این خصوص می‌توان به جنگ سوریه و نقض حقوق زنان در آن اشاره کرد. بنابراین باید گفت که جلوگیری از خشونت علیه زنان در جنگ‌ها وظیفه دولت‌هاست، ولی باید تلاش هماهنگ و جدی بین‌المللی در مقابله با آن انجام داد. در این خصوص می‌توان پیشنهادهایی را برای حفاظت زنان مطرح کرد: ۱. ایجاد دادگاه‌هایی که دارای تخصص در حوزه خشونت و آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت هستند و ارائه مشاوره حقوقی به قربانیان و شاکیان. در این خصوص باید در بررسی پرونده‌های مربوط تلاش شود تا ملاحظات سیاسی در نظر گرفته نشود و اصل عدالت و انصاف اعمال شود (Convention concerning the elimination of violence and harassment in the world of work, 2019). ۲. امکان دسترسی آسان، مؤثر و مطمئن به سازوکارهای گزارشگری برای زنان قربانی و حفظ اطلاعات آنان به شکل محرمانه (www.unwomen.org); ۳. تشکیل کارگروه حافظ امنیت زنان در جنگ و استقرار آنها در مکان‌های جنگی؛ ۴. تأکید بیشتر و عملیاتی بر نقش زنان برای تبدیل شدن زنان از قربانی به نقش‌آفرینان اصلی در امور مختلف؛ ۵. اقدامات حمایتی از زنان مهاجر و حفاظت از آنان از آسیب‌های بیشتر در کشورهای مقصد و ترانزیت که در این خصوص می‌توان با تنظیم قوانین ملی در این زمینه گام برداشت (U.N.Doc ,HRC/41/L.6/Rev.1).

در مجموع باید گفت که اقدامات شورای امنیت شروعی خوبی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان در جنگ‌ها بوده، ولی ناکافی بوده است؛ بنابراین شورا باید به غیر از ادامه رویه قضایی-امنیتی و سیاسی-امنیتی خود، از طریق اقدام به موقع و گوشزد کردن عواقب ارتکاب به این جنایات، از بروز یا گسترش آن جلوگیری کند، زیرا موضوع زنان، صلح و امنیت بین‌المللی ضلع‌های یک مثلث هستند که صلح و امنیت فارغ از حفظ حقوق زنان قابل دستیابی نیست. البته این بیم وجود دارد که شورای امنیت به استناد نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه در جنگ‌ها ورود پیدا کند و سبب طولانی‌تر شدن آن شود. بنابراین در بررسی عملکرد و نقش شورای امنیت در خصوص حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه باید علاوه بر جنبه‌های مثبت، بر ابعاد منفی ورود شورا به این حوزه نیز توجه کرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و مفاهیم مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۲، ص ۴۵۸-۴۳۹.
۲. امامیان، معصومه؛ عزیزی، ستار (۱۳۹۷). «چالش حقوقی اجرای قاعده عدم مصونیت سران دولت‌ها نزد دیوان کیفری بین‌المللی با تأکید بر پرونده عمرالبشیر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۲، ص ۸۱-۱۰۲.
۳. بایاخانی، عطیه (۱۳۸۷). «جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور»، مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۸، ص ۱۸۴-۱۴۱.
۴. خاک، روناک (۱۳۸۷). «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۹، ص ۱۴۶-۱۰۱.
۵. دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد در ایران و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران (۱۳۸۸). سازمان ملل متحد در دنیای امروز، تهران: آبارون.
۶. ذاکریان، مهدی؛ آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی دادگاه بین‌الملل کیفری یوگسلاوی سابق؛ فعالیت‌ها و دستاوردها»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۱، ص ۲۴۲-۲۱۳.
۷. ژیان‌پور، ایمان؛ کمیلی‌پور، علی (۱۳۹۷). «حمایت بشردوستانه از زنان در مخاصمات مسلحانه به‌همراه اسناد بین‌المللی»، تهران: جنگل.
۸. سادات‌میدانی، سید حسین (۱۳۸۴). «صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۹. سواری، حسن (۱۳۹۰). «ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمرالبشیر (سودان)»، فصلنامه راهبرد، ش ۵۸، ص ۲۶۶-۲۴۳.
۱۰. صباغیان، علی (۱۳۹۲). «امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۶۲، ص ۱۱۸-۸۹.
۱۱. طباطبایی، احمد (۱۳۸۴). «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۹، ص ۶۶-۳۵.
۱۲. طباطبایی، سید محمد؛ فتحی، محمدجواد (۱۳۹۳). «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، ش ۱۴، ص ۴۲-۶.
۱۳. فن‌تیگروم، بارابارا (۱۳۸۹). «امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل»، ترجمه اردشیر امیر ارجمند و حمید قنبری، تهران: مجد.
۱۴. کیتی‌شیایزری، کریانگ‌ساک (۱۳۸۳). «حقوق بین‌الملل کیفری»، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت.
۱۵. لسانی، سید حسام‌الدین؛ نقی‌زاده، یلدا (۱۳۹۶). «عملکرد شورای امنیت در مواجهه با ابولا (Ebola)، رویکردی نوین در حوزه سلامت عمومی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ش ۴، ص ۱۰۶۵-۱۰۴۳.
۱۶. محمدی‌فر، هادی (۱۳۸۶). «واکنش جهانی به بحران دارفور»، فصلنامه مطالعات آفریقا، ش ۱۲، ص ۲۴۲-۱۹۹.
۱۷. ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه (۱۳۸۸). «نقش دادگاه ویژه سیرالئون در مبارزه با بی‌کیفری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۸. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۶). «حقوق جزای بین‌الملل، چ دوم، تهران: میزان.
۱۹. یآوری، فاطمه (۱۳۹۷). «نقش سازوکارهای حمایت از زنان قربانی خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه، تهران: میزان.

ب) خارجی

20. Barnett, Michel (2002). Eyewitness to Genocide, the United Nations and Rwanda, Cornell University Press, Ithaca and London.
21. Ari, Nirit-Ben & Harcsh, Ernest (2005). "Sierra Leone War Crimes, Women Speak out Against Sexual Violence, Africa Renewal", UN Department of Public Information, Vol.18, p. 10_35.

22. Bellany, Ian (1981). "Towards a theory of International Security", Political Studies, Vol.9, p. 126_161.
23. Boed, Roman (2002). "the United Nations Interntional Criminal Tribunal for Rwanda: Its establishment, work and impact on International Criminal Justic", Prespective Central European Review of International Affairs, Vol. 17, Winter.
24. De Hoogh, Andre J.J (2001). Articles 4 and 8 of 2001, Available://www.un.org.
25. Ezeani, E. & Jones, R.E (2016). "Rape and sexual violence in war: establishment of a non-derogable norm? RUW conference on women and society, 19-20 April 2016", Royal University for Women, Kingdom of Bahrain.
26. Gruenberg, Justin (2009). "An Analysis of United Nations Security Council Resolutions: Are All Countries Treated Equally Case Western Reserve", Journal of International Law, Vol. 41, Issue 2.
27. McDonald, Matt (2003). "Securitization and Construction of Security", European Journal of International Security, Human Vulnerability, Tokyo, New York: United Nations University Press.
28. Mooney, R (2010). "Something Old, Something New, Something Borrowed ...Something Blue? The Protection Potential of a Marriage between R2P and IDPs Protection", Global Responsibility to Protect, Vol. 2, No. 1.
29. Convention concerning the elimination of violence and harassment in the world of work, (2019), See: // <https://www.ilo.org/ilc/ILCSessions/108/committees>.
30. New UN Women report puts forth policy agenda to end gender inequalities within families (2019). See: [http:// https://www.unwomen.org/en/news/stories](http://https://www.unwomen.org/en/news/stories).
31. Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to United Nations Secratery-General (2005), 25 January.
32. The ICTY at a Glance/ Key Figures of ICTY Cases, See: <http:// www.un.org.icty/cases/fastsheets/procindex-e.htm>.
33. U.N. Document's ,Human Rights Council, Resolution 41/L.6/Rev. 25 July 2019.
34. UN Document's ,Security Council, Resolution 770, 13 August 1992.
35. UN Document's ,Security Council, Resolution 780, 6 October 1992.
36. UN Document's ,Security Council, Resolution 789, 25 November 1992.
37. UN Document's ,Security Council, Resolution 827, 25 May 1993.
38. UN Document's ,Security Council, Resolution 955, 8 November 1994.
39. UN Document's ,Security Council, Resolution 1132, 8 October 1997.
40. UN Document's ,Security Council, Resolution 1171, 5 June 1998.
41. UN Document's ,Security Council, Resolution 1220, 12 January 1999.
42. UN Document's ,Security Council, Resolution 1231, 11 March 1999.
43. UN Document's ,Security Council, Resolution 1325, 31 October 2000.
44. UN Document's ,Security Council, Resolution 1820, 19 June 2008.
45. UN Document's ,Security Council, Resolution 1888, 30 September 2009.
46. UN Document's ,Security Council, Resolution 1889, 5 October 2009.
47. UN Document's ,Security Council, Resolution 2106, 24 June 2013.
48. UN Document's ,Security Council, Resolution 2122, 18 October 2013.
49. UN Document's ,Security Council, Resolution 2171, 21 August 2014.
50. UN Document's ,Security Council, Resolution 2242, 13 August 2015.
51. Error! Hyperlink reference not valid.
52. <http://www.snn.ir>
53. <http://www.bbc.com>
54. <http://www.un.org>
55. <http://www.unwomen.org>
56. Error! Hyperlink reference not valid.
57. <http://www.amnesty.org>